

## سه نور از يك كانون با مذاهب يهود و نصاری و اسلام

موضوع تعارض و مغایرت ادیان با یکدیگر پیوسته در طی تاریخ منشأ گفت و شنودها و مشاجرات لفظی و قلمی و بالاخره زد و خوردها و اختلافات طولانی و جنگها و جدالهای وحشتناک بوده است.

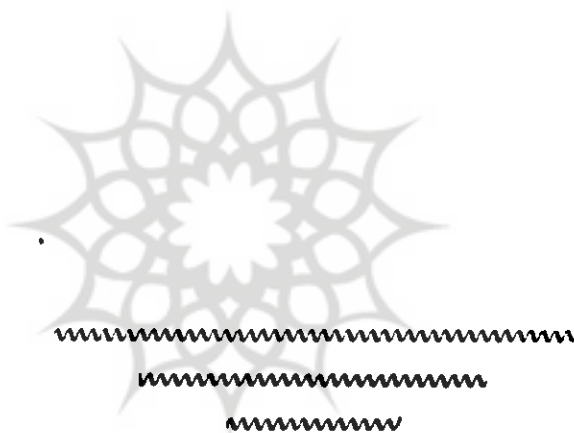
با اینکه این نکته مسلم است که نیت و مقصد پیامبران الهی ایجاد اتفاق و اتحاد و همدردی بین افراد بشر بوده است، ولی اگر ادعا شود که وجود ادیان بجای اینکه بین افراد بشر تفاهم و همفکری بیشتری ایجاد کند تقار و کدورت افزونتری را موجب شده، گفتار بیجا و بیموردی نیست؛ اما باید بررسی کرد که آیا در این میانه مسئول واقعی ادیان الهی هستند یا حیثاً خودخواهی و کوتاه نظری بعضی افراد بشر باعث شده است که بجای پیروی از هدف مقدس ادیان موجبات اختلاف و تفرقه را فراهم کنند؟ و پرسش مهمتر اینکه آیا براستی در بین ادیان الهی تعارض و تناقض و دوگانگی وجود دارد یا اینکه ما اینطور اندیشه میکنیم؟

این پرسشها فکر هرکس را بخود مشغول میدارد و خود منشأ تردیدها و سرگردانیهای بیشتری میگردد تا آنجا که ممکن است در افکار ناپخته و سوسه های کفرآمیز ایجاد کند - لیکن هرکس میتواند پاسخ این پرسشها را در کتاب نبأ عظیم یا سه نور از يك كانون بیابد.

در این کتاب همکار ارجمندمان آقای غلامعلی سبحانی با استناد به قرآن کریم و نهج البلاغه و تفاسیر معتبر و متون تورات و انجیل اینطور نتیجه گیری کرده است که ادیان الهی مبانی استواری هستند که با پیدایش انسان بر روی زمین پایه گذاری شده و بتدریج راه تکامل پیموده و با دعوت حضرت ختمی مرتبت بمقام اعلائی خود رسیده است و این همان راهی است که صراط المستقیم یا (راه راست) نامیده میشود و در این طریق پیامبران بزرگ خداوند از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و حضرت محمد (ص) را می بینیم که مبشر يك واقعت بوده اند.

نگارنده کتاب در همه جا استشهاد بقرآن کریم و تورات و انجیل می‌کند و در این امر دقت فراوان داشته و تحقیقاتی بعمل آورده است؛ همچنین با تجزیه و تحلیل افکار دانشمندان و فلاسفه نامی جهان چون سقراط و افلاطون و فلوطین و دکارت و لایبنیتز و بسیاری دیگر از اندیشمندان چنین استدلال میکند که فرزندگان و دانندگان جهان همگی موحد و خداپرست بوده و شناخت خدا - انجام اعمال نیک - باور روز جزا که اصول اساسی سه‌گانه اسلام هستند در اعماق روح و افکار هر انسانی وجود دارد منتهی فلسفه‌های بدآموز و تربیت‌های ناصحیح که برخوردارشید فطرت ابرآسا سنگینی میکنند از آدمی که بایستی در راه رسالت خدائی خویش همواره کوشا باشد نابکارانی می‌سازند که جهانیان از دست آنان فریاد و شکوه دارند.

بالاخره مؤلف کتاب از مباحث دیگر اینطور نتیجه‌می‌گیرد که با پیشرفت علم و دانش در مجامع انسانی و تعمیم فرهنگ بین افراد بشر روزی خواهد رسید که آدمی این حقیقت را درخواهد یافت که کلید سعادت واقعی و علاج کلیه دردهای او در قبول و اجرای صحیح اصول سه‌گانه اساسی اسلام میباشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی